

متن پرسش

سلام استاد: آقای محمد حسین رجبی دوانی، در رابطه با تاثیر فرهنگ غرب در زمینه سازی عاشورا و تأثیراتی که فرهنگ رومی بر مسلمانان آن زمان داشته و زمینه ساز فاجعه عاشورا شده، می فرمایند: اصلاً من تاثیر فرهنگ غرب بر زمینه سازی عاشورا و زمینه سازی فرهنگ رومی بر فاجعه عاشورا را، بنده قبول ندارم. اگر ما اسم سرجون رومی را در دربار معاویه و یزید (لعنهما الله) داریم، یا منصور بن سرجون، دلیل بر نفوذ فرهنگ غرب، یا قدرت غربی آن روز که امپراتوری روم باشد، در حاکمیت مسلمان ها و تاثیرگذاری بر حوادث تاریخ اسلام، ما نمی توانیم چنین تلقی داشته باشیم. بنی امیه در مکه بودند و نظام قبیلگی داشتند. به برکت اسلام، اینها از اون جهالت و حالت بدبختی بیرون آمدند و بر اثر خیانتی که بعد از پیامبر به اهل بیت عصمت و طهارت شده، اینها در حاکمیت اسلام جا گرفتند و زمان عمر بن خطاب و عثمان، معاویه در شام حکومت می کند. شام، قلمرو فرهنگی و سیاسی و جغرافیایی امپراتوری روم بوده است، که مسلمانان گرفتند. معاویه هم، به عنوان فرمانروای این منطقه از سوی خلیفه دوم، قادر نیست یک منطقه ای با سابقه تمدنی دیرینه را، بخواهد اداره کند، مگر با یاری گرفتن و مشورت از افراد مطلع اهل محل ... لذا، این در واقع به نوعی میشه گفت ذکاوت معاویه بود که از افراد مطلع بومی مثل سرجون، برای اداره اون منطقه و مردمی که او زبانشان را می داند و او با این فرهنگ آشنایی داره، استفاده بکند. اگر ما حضور یکی دو نفر رومی را، در اینجا سند قرار بدیم بر اینکه رومی ها نفوذ کرده اند و فرهنگشان را پیاده کرده اند، پس باید که بگوئیم راجع به خاندان های ایرانی که در خلافت بنای عباس حضور دارند، خاندان برمکیان، خاندان نوبهاران، خاندانی حضور دارند، پس این، نشانه نفوذ ایرانی های زرتشتی و دشمن اسلام در حاکمیت مسلمان است. خیر! بنی عباس، مرکز حکومت خود را در حوزه تمدن ایران، یعنی عراق امروز قرار داده بودند. ناچارند از عناصر ایرانی استفاده بکنند. بله، مشورت به یزید، برای تعیین عبدالله زیاد به فرمانروایی کوفه را، سرجون به او می دهد؛ اما این نشان دهنده این نیست که یک برنامه ریزی بوده و می خواسته اند حرکتی را مدیریت کنند. اگر چنین بود، ما باید شواهد و قرائن دیگری هم، می داشتیم، که هرگز چنین چیزی وجود نداشته و در هیچ کدام از منابع ما، اطلاعاتی در مورد سرجون و منصور بن سرجون، وجود ندارد؛ غیر از این نکات محدودی که عرض شد. نظر شما در مورد این صحبت ایشان، چیست؟ تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: شواهدی که حکایت از آن دارد که ابوسفیان حتی قبل از اسلام با رومیان

ارتباط داشته است را، چه کار کنیم؟ حتی آنجایی که وقتی نامه‌ی حضرت پیامبر «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» به قیصر روم می‌رسد و قیصر روم می‌خواهد چند نفر از مردم عربستان که پیامبر را می‌شناسند، پیدا کند تا سؤالاتی از آن‌ها داشته باشد؛ یکی از آن افراد ابوسفیان است. پس به هر حال جای این فکر هنوز باقی است که احتمالاً جریان اُموی بدون ارتباط فکری و فرهنگی با رومیان نبوده. موفق باشید